

فردریک ملک - کارشناس اداره مطالعات و تحقیقات آماری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

اندازه‌گیری و تجزیه و تحلیل فقر و نابرابری

□ مقدمه

موضوع فقر و اینکه به کدام بخش از جامعه و بر پایه چه اطلاعاتی می‌بایست کمک بیشتری شود، مورد توجه روزافزون سیاست‌گزاران مسائل اجتماعی - اقتصادی می‌باشد. هرچند که این موضوع ساده به نظر می‌رسد ولی بطور کلی مسئله فقر هم از دیدگاه مسائل نظری و هم روش‌های اجرایی سؤال پیچیده‌ای است. ضمناً اطلاعات و آمار در دسترس معمولاً واقعیت‌های موجود را از دیدگاه فقر منعکس نمی‌نماید.

در این مقاله مفهوم فقر از دیدگاه‌های مختلف مانند فقر مطلق و نسبی، با توجه به نماگرهای پولی نظیر درآمد و هزینه مورد مطالعه قرار گرفته است. ضمناً در مورد چگونگی استفاده از نتایج بررسی بودجه خانوار بعنوان بهترین منبع تجزیه و تحلیل مفهوم فقر و انواع محدودیت‌های استفاده از نتایج این بررسی در تجزیه و تحلیل فقر، بحث گردیده است. در انتها یک نمونه واقعی با توجه به نماگرهای مادی در سه گروه مختلف هزینه‌ای و درآمدی با استفاده از نتایج بررسی بودجه خانوار مناطق شهری در سال ۱۳۷۶ در قالب دو جدول محاسبه و ارائه شده است.

مفهوم و اندازه‌گیری فقر

بنا به تعریف فقرا عبارتند از اشخاص، خانوارها و یا گروهی از اشخاص که منابعشان از نظر مادی، فرهنگی و اجتماعی به اندازه‌ای محدود می‌باشد که آنها را از کمترین امکانات قابل پذیرش برای زندگی محروم نموده و از دیگر اعضای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، مجزا می‌نماید.

در حقیقت فقر بر مبنای فقدان منابع، از ابعاد مختلف تشریح می‌گردد. تا آنجائی که به مفهوم فقر مربوط می‌شود، سطح زندگی هر شخص می‌بایست بصورت یک بردار n بُعدی نمایش داده شود که هر یک از مؤلفه‌هاش موقعیت شخص را با توجه به منابع انتخاب شده، مشخص می‌نماید. بنابراین یکی از راه‌های ممکن برای پاسخ دادن به این سؤال، انتخاب کالاها و خدماتی است که برای زندگی ضروری است و اگر شخص فاقد برخی از آنها باشد، فقیر تلقی می‌گردد. با این حال این روش دارای موانعی می‌باشد. از آنجائی که در جوامع بطور مداوم و اجباراً احتیاجات جدیدی مورد تقاضا قرار می‌گیرد، انتخاب کالاها و خدمات مورد نظر معمولاً موضوع پیچیده‌ای می‌باشد. معمولاً با توجه به دلایل فوق و برای سادگی، ترجیح داده می‌شود که از نماگرهای پولی مانند درآمد، ثروت و هزینه جهت مطالعه فقر استفاده گردد. بر این اساس می‌توانیم با استفاده از نماگرهای پولی خط فقر را تعیین کنیم. خط فقر عبارتست از سطحی از نماگر که در مقادیر پایین‌تر از آن مردم فقیر و در مقادیر بالاتر از آن مردم غیرفقیر نامیده می‌شوند. خط فقر نه تنها فقر را تعیین می‌کند، بلکه می‌تواند نسبت فقر در یک گروه خاص را نیز تعیین نموده و درجه فقر آنها را مشخص نماید. بدین معنی که مشخص می‌نماید چند درصد از فقرا در چه فاصله‌ای از سطح فقر قرار دارند.

□ خط فقر مطلق و خط فقر نسبی

وجود مفاهیم مختلف از فقر ما را به استفاده از منابع اطلاعاتی متفاوتی هدایت می‌نماید که هر یک از آنها خط فقر متفاوتی را ترسیم خواهد کرد. در این زمینه اگر فقط اطلاعات معینی مورد استفاده قرار گیرد، فقر را می‌توان یا براساس نماگر پولی و یا نوع رابطه آن با مقدار متوسط در جامعه معین نمود. بنابراین در اینجا می‌توان از دو دیدگاه به موضوع نگاه کرد. در یک روش می‌توانیم یک "سبد" از نیازهای ضروری، مستقل از سطح زندگی در یک جامعه، تعیین کنیم و هزینه قیمت آن را در بازار خرده‌فروشی ارزیابی نمائیم که این روش را روش محاسبه فقر مطلق می‌نامند. از طرف دیگر فقر نسبی را تعریف می‌کنیم که در این روش فقر در مقایسه با استاندارد رفاه دیگر گروه‌های جامعه بطور نسبی ارزیابی می‌شود. خط فقر نسبی معمولاً به مقدار متوسط توزیع نماگر پولی در یک جامعه نظیر میانگین یا میانه مرتبط می‌گردد. از آنجا که این خط فقر (فقر نسبی) با ضروریات اساسی در رابطه نمی‌باشد، بنابراین بیشتر از آنکه تعریفی از فقر باشد نابرابری در طبقات جامعه را نشان می‌دهد. در حقیقت، مردمی که در مقایسه با این مقیاس زیر خط فقر زندگی می‌کنند لزوماً مردم محرومی نبوده و فقط می‌توان گفت که در مقایسه با دیگران از رفاه کمتری برخوردار می‌باشند. بعلاوه، چون این مقایسه نسبی است و به انتخاب پارامتر جامعه (نماگر پولی) باز می‌گردد، چنانچه این پارامتر را میانه انتخاب کرده و خط فقر را میانه در نظر بگیریم، نسبت فقرا در این حالت ثابت باقی خواهد ماند. روش محاسبه خط فقر مطلق که بر مبنای تعیین سبد ضروریات زندگی پایه‌گذاری شده است ابتدا در سال ۱۹۰۱ و بوسیله Rowntree معرفی شد. بعد از آن، بدلیل مشکلات موجود در انتخاب اقلام مشمول این سبد، تعدیلاتی در آن صورت گرفت. از طرف دیگر Orshansky خط فقر را براساس فرضیه مینیمم مجموع نیازهای یک فرد و نیازهای غذایی، برای کلیه گروه‌های

جامعه تعیین نمود. در این حالت مسئله ساختن یک خط فقر مطلق به تعیین یک "سبد غذایی" تقلیل پیدا می‌کند که البته این موضوع ساده‌تر از تعیین یک سبد کلی از نیازهای ضروری می‌باشد. با آنکه منطق موجود در روش محاسبه این خط، بوسیله نویسندگان مختلفی از جمله Ruggle (۱۹۹۰) مورد انتقاد قرار گرفته است ولی این روش هم‌اکنون در آمریکا و کانادا مورد استفاده قرار می‌گیرد. در کشورهای عضو اتحادیه اروپا، بطور کلی، تعیین خط فقر نسبی ارجح است.

▣ داده‌های در دسترس

در تجزیه و تحلیل فقر و نابرابری، واحد مورد بررسی معمولاً بجای فرد، خانوار می‌باشد. دلیل این انتخاب آن است که خانوار یک واحد اقتصادی است و معمولاً منابع بصورت مساوی بین اعضای آن مصرف می‌شود. پی‌آمد این موضوع این است که خانوار مانند یک فیلتر عمل کرده و میزان فقر و نابرابری ناشی از توزیع شخصی درآمد را تقلیل می‌دهد. بنابراین اطلاعات بدست آمده از خانوار به درستی سطح رفاه واقعی اعضای خانوار را منعکس می‌کند.

منبع اصلی اطلاعات آماری برای تجزیه و تحلیل فقر و نابرابری خانوارها، بررسی بودجه خانوار می‌باشد. بدلیل آنکه هدف اصلی این بررسی، تجزیه و تحلیل فقر و نابرابری نمی‌باشد، چنانچه فقر را از این بررسی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم با محدودیت‌هایی مواجه می‌شویم که برخی از آنها مربوط به روشهای بکارگرفته شده در این بررسی است و برخی مربوط به متغیرهای مورد استفاده به عنوان "نماگر" می‌باشد. در مورد محدودیت‌های ناشی از روشهای بکارگرفته شده می‌توان به چند مطلب اشاره نمود. از آنجایی که همکاری خانوارها در این بررسی اجباری نمی‌باشد، برخی از خانوارهای با درآمد بالا از ارائه پاسخ کامل به پرسشها خودداری کرده و معمولاً کم‌گونی می‌نمایند.

همچنین خانوارهای کم‌سواد ممکن است بطور دقیق نتوانند به سؤاها پاسخ دهند. ضمناً خانوارهایی که در محل‌های دسته‌جمعی زندگی می‌کنند، یا فاقد محل مسکونی مشخصی هستند و یا بصورت مهاجران غیرقانونی در جامعه زندگی می‌کنند شامل این بررسی نمی‌گردند. این محدودیت‌ها باعث می‌شود که نتایج بررسی فقر و نابرابری از دقت با درجه بالا برخوردار نباشد. از طرف دیگر منابع تأمین مالی خانوارها ممکن است فقط وابسته به درآمد آنها نبوده بلکه وابسته به سود سهام و یا سرمایه‌گذاری‌های دیگر باشد. در نتیجه ثروت متغیر دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد. متأسفانه بیشتر بررسی‌های مربوط به بودجه خانوار، در مورد ثروت خانوارها اطلاعات کافی را بدست نمی‌دهند.

بنابراین با توجه به نکات فوق، جهت بررسی فقر از دو متغیر درآمد و یا هزینه استفاده می‌شود. البته هنوز توافق کلی در این مورد که کدامیک از این دو متغیر برای ارزیابی رفاه مناسب‌تر است، وجود ندارد و برای هر کدام مزایا و معایبی برشمرده می‌شود که باعث می‌گردد هر دو متغیر برای ارزیابی رفاه مورد استفاده قرار گیرند.

در مقایسه با درآمد، هزینه متغیری با ثبات‌تر می‌باشد و بطور کلی می‌تواند بعنوان تابعی از یک الگوی درآمدی، در زمانی که درآمد دائمی است، مورد توجه قرار گیرد. با این حال، هنوز نمی‌توان آن را به عنوان یک نماگر کامل فقر تلقی نمود. پایین بودن سطح هزینه لزوماً به معنی پایین بودن سطح رفاه نمی‌باشد. بعلاوه خانوارهای با درآمدهای دائمی یکسان، بعلت داشتن عادت هزینه‌ای متفاوت، می‌توانند دارای الگوی مصرفی متفاوتی نیز باشند. همچنین خانوارها در مراحل مختلف دوره زندگی‌شان دارای نیازهای متفاوتی هستند. از طرف دیگر، در دسترس بودن کالاها و خدمات عمومی می‌تواند سطح رفاه را افزایش دهد بدون آنکه هزینه چندانی دربر نداشته باشد.

یکی دیگر از مسائل مربوط به روشهای بکاربرده شده برای محاسبه خط فقر که در رابطه با داده‌های هزینه‌ای مطرح می‌شود، زمان جمع‌آوری اطلاعات است که می‌تواند

برآورد بالا و یا برآورد پایینی از الگوی واقعی هزینه‌های خانوار را بدست دهد. البته وقتی با مجموع داده‌ها سروکار داریم این موضوع مسئله‌ای را ایجاد نمی‌کند چراکه خطاها از دو جهت یکدیگر را می‌پوشانند ولی وقتی اجزاء داده‌ها برای هر خانوار مورد مطالعه قرار می‌گیرد، این موضوع مسئله‌ساز خواهد شد و نتایج فقر و نابرابری را تحت تأثیر قرار خواهد داد. بطور مثال در بررسی بودجه خانوار هزینه برخی از اقلام خوراکی در طی "هفته گذشته" سؤال می‌شود. چنانچه در طول این هفته خانوار هزینه بالایی داشته باشد، مثلاً خرید ماهانه انجام داده باشد، برآوردی که برای هزینه سالانه خانوار بدست می‌آید به صورت غیرواقعی بالا خواهد بود. همچنین این موضوع ممکن است برای خانوارهایی که خرید یک کالای بادوام نظیر اتومبیل را انجام داده باشند نیز صدق کند.

با توجه به دلایل ذکرشده، برای نشان دادن سطح رفاه معمولاً درآمد قابل تصرف خانوار نماگر بهتری می‌باشد ولی مسئله اصلی در مورد درآمد آن است که خانوارها معمولاً در این زمینه به کم‌گویی تمایل دارند.

بنابراین به نظر می‌رسد در مورد مسایل مربوط به هزینه و درآمد، بهترین راه حل مطالعه همزمان بر روی درآمد و هزینه خانوارها می‌باشد. ضمن آنکه مقایسه نتایج حاصل از این دو روش نیز می‌تواند در مورد ارزیابی صحت و دقت نتایج کمک نماید.

□ فقر اندازه‌گیری شده با نماگرهای پولی

هرچند در تجزیه و تحلیل فقر و نابرابری، خانوار واحد مناسب‌تری را نسبت به فرد تشکیل می‌دهد ولی بنظر نمی‌رسد که درآمد و هزینه خانوار نماگر کاملاً مناسبی برای نشان دادن استاندارد زندگی باشد. از دو خانوار با درآمد مساوی، خانواری که دارای دو عضو می‌باشد نسبت به خانواری با شش عضو، از استاندارد زندگی بهتری برخوردار می‌باشد.

انتخاب واحد مورد تجزیه و تحلیل به مسئله تعیین مقیاس یکسان‌سازی برمی‌گردد. البته بدیهی است که خانوارهای با تعداد اعضای بیشتر، برای آنکه بتوانند همان استاندارد زندگی خانوارهای با تعداد اعضای کمتر را داشته باشند به درآمد بالاتری نیاز دارند، ولی انتظار می‌رود که نسبت افزایش درآمد به همان نسبت افزایش تعداد اعضای خانوار نباشد. بنابراین داده‌ها می‌توانند با توجه به یک مقیاس معین تعدیل گردند. به علاوه اعضای خانوار در مراحل مختلف زندگی‌شان هزینه‌های یکسانی را نیاز ندارند. در نتیجه سن اعضای خانوار و همچنین بعد خانوار می‌تواند بعنوان عوامل تعیین‌کننده جهت انتخاب این مقیاس مطرح شود.

مقیاس اقتصادی می‌تواند از راه‌های متفاوتی ارزیابی شود. در ارزیابی که بوسیله مقیاس OECD که توسط سازمان آمار اروپا (EUROSTAT) بکار برده می‌شود، سرپرست خانوار وزن ۱ دیگر اعضای بالغ خانوار (بالای ۱۴ سال) وزن $0/7$ می‌گیرند و به اعضای زیر چهارده سال وزن $0/5$ داده می‌شود. از آنجائی که انتخاب خصوصیات چنین مقیاسهایی کاملاً اختیاری می‌باشد، لذا استفاده از آنها مورد انتقاد قرار گرفته و مورد توافق کلی نمی‌باشد.

□ نماگرهای مادی فقر

از خط فقر نسبی جهت تعیین خانوارهای فقیر می‌توان استفاده نمود. بدین ترتیب که می‌توان نشان داد چه خانوارهایی از خانوارهای دیگر فقیرترند. ولی این خط (خط‌ها) نمی‌تواند اطلاعاتی را در مورد حد محرومیت خانوارها در اختیار قرار دهد. در کشورهایی که خط فقر مطلق در آنها محاسبه نشده است تنها راه ممکن، مطالعه فقر نسبی از دیدگاه نماگرهای مادی می‌باشد.

در جداول پیوست به ترتیب درصد خانوارهای استفاده‌کننده از برخی لوازم و

تسهیلات مورد استفاده در محل سکونت در مناطق شهری با توجه به متوسط هزینه و درآمد خانوارها آورده شده است. این درصدها برای سه گروه از خانوارها محاسبه و در جداول مذکور درج شده‌اند. گروه اول شامل کل خانوارها می‌باشد و گروه دوم شامل خانوارهایی است که هزینه (در جدول شماره ۲، درآمد) آنها کمتر از ۵۰ درصد متوسط کل هزینه (درآمد) خانوارها می‌باشد. در این گروه برای هزینه، خانوارهایی که هزینه سالانه آنها کمتر از ۸۰۵۸۰۰۰ ریال می‌باشد و برای درآمد، خانوارهایی که درآمد سالانه آنها کمتر از ۷۲۶۸۰۰۰ ریال باشد در نظر گرفته شده‌اند. گروه سوم شامل خانوارهایی است که هزینه (درآمد) آنها کمتر از ۲۵ درصد متوسط کل هزینه (درآمد) خانوارها می‌باشد. در این مورد برای هزینه، خانوارهایی که سالانه کمتر از ۴۰۲۹۰۰۰ ریال هزینه دارند و برای درآمد، خانوارهایی که سالانه کمتر از ۳۶۳۴۰۰۰ ریال درآمد دارند در نظر گرفته شده‌اند. جداول ۱ و ۲ بر مبنای نتایج بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری کشور در سال ۱۳۷۶ که با استفاده از حدود ۱۰۰۰۰ خانوار نمونه صورت گرفته، تهیه شده است.

در تجزیه و تحلیل جداول ۱ و ۲ باید توجه داشت که در گروه‌های تعیین شده، کمبود و یا درصد پایین تعداد استفاده‌کنندگان از یک کالا و یا خدمت ممکن است لزوماً تعیین‌کننده فقر نبوده، بلکه ممکن است خانوار خود مایل به خرید یا استفاده از آن کالا و یا خدمت نباشد، هرچند در بیشتر مواقع چنین نیست.

همانطور که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود ۱۶/۱ درصد از خانوارها دارای اتومبیل شخصی می‌باشند، حال آنکه فقط ۲/۵ درصد از خانوارهایی که هزینه آنها کمتر از نصف متوسط کل هزینه خانوارها می‌باشد (کمتر از ۸۰۵۸۰۰۰ ریال هزینه در سال) دارای اتومبیل شخصی می‌باشند و ۰/۴ درصد از خانوارهایی که متوسط هزینه آنها کمتر از یک چهارم متوسط کل هزینه خانوارها (کمتر از ۴۰۲۹۰۰۰ ریال هزینه در سال) می‌باشد، دارای اتومبیل شخصی هستند. این بدین معنی است که خانوارهایی که دارای اتومبیل

شخصی می‌باشند اکثراً خانوارهایی هستند که هزینه سالانه آنها از متوسط کل هزینه بیشتر و یا دارای هزینه‌های بالا می‌باشند.

۲۶ قلم عنوان شده در جدول شماره ۱ را می‌توان با توجه به توزیع خانوارهای استفاده کننده از لوازم و تسهیلات به چهار دسته کلی تقسیم کرد. دسته اول اقلامی است که درصد تعداد خانوارهای استفاده کننده از آنها در گروه خانوارهای با هزینه پایین به شدت کاهش می‌یابد. این اقلام عبارتند از: اتومبیل، تلویزیون رنگی، ویدئو، کامپیوتر شخصی، یخچال فریزر، فریزر، جاروبرقی، ماشین لباسشویی و شوفاژ. دسته دوم اقلام هستند که درصد تعداد خانوارهای استفاده کننده از آنها در گروه خانوارهای با هزینه پایین به نسبت درصد استفاده کنندگان در گروه کل خانوارها، کاهش می‌یابد ولی این کاهش به شدت اقلام دسته اول نمی‌باشد. این اقلام عبارتند از: موتور سیکلت، دوچرخه، چرخ خیاطی، اجاق گاز، تلفن، گاز شهری، آشپزخانه، حمام، کولر ثابت، ملک شخصی و وام داشتن. این بدین معنی است که هرچند اکثر استفاده کنندگان از این اقلام، خانوارهایی با هزینه متوسط و یا با هزینه بالا هستند ولی گروههای با هزینه پایین نیز تا حدی از این اقلام استفاده می‌کنند. دسته سوم اقلامی هستند که درصد خانوارهای استفاده کننده از آنها برای خانوارهای با هزینه‌های متفاوت، تقریباً یکسان است. این اقلام عبارتند از یخچال، آب لوله کشی، برق و کولر متحرک. این بدین معنی است که استفاده از این اقلام نسبت به تغییرات هزینه حساس نمی‌باشد. دسته چهارم اقلامی هستند که درصد تعداد خانوار استفاده کننده از آنها در گروه خانوارهای با هزینه پایین بیشتر از درصد استفاده کنندگان با هزینه بالا می‌باشد. این اقلام عبارتند از ملک استیجاری و تلویزیون سیاه و سفید.

در جدول شماره ۲ درصدهای تعداد خانوارهای استفاده کننده از لوازم و تسهیلات (۲۶ قلم) در سه گروه، کل خانوارها و دو گروه درآمدی آورده شده است. روند توزیع تعداد خانوارهای استفاده کننده از لوازم و تسهیلات بر مبنای ارقام درآمدی به مانند جدول شماره ۱ می‌باشد و تأییدی بر نتایج مبتنی بر هزینه است.

□ نتیجه‌گیری

استفاده از بررسی بودجه خانوار و نماگرهای پولی بخصوص در محاسبه فقر نسبی با محدودیتهایی مواجه است که می‌بایست با احتیاط از ارقام مربوطه استفاده کرد. موضوع مربوط به پوشش این بررسی است که ممکن است بسیاری از خانوارها را دربر نگیرد و از طرفی نحوه برآورد متغیرها، از جمله هزینه که ممکن است اربب داشته باشد و یا وقتی بُعد خانوار و الگوی مصرف متفاوت مطرح می‌گردد، استفاده از این بررسی را با محدودیتهایی مواجه می‌کند. در مورد درآمد نیز ممکن است مسائلی نظیر کم‌گویی مطرح باشد.

فقر نسبی (نابرابری درآمد) در یک جامعه لزوماً فقر را نشان نمی‌دهد. ممکن است در یک جامعه افراد با درآمد نسبی پایین واقعاً فقیر نباشند در حالیکه در جامعه‌ای دیگر افرادی که به‌طور نسبی دارای درآمد بالا هستند، فقیر باشند. برای محاسبه فقر مطلق می‌توان مصارف خانوار را به دو گروه غذایی و غیر غذایی تقسیم کرد. محاسبه هزینه غذا با توجه به میزان کالری مصرفی مورد نیاز یک انسان مشکل نمی‌باشد ولی محاسبه اقلام مصرفی غیر غذایی خانوار با توجه به الگوهای مصرف متفاوت و همچنین تغییرات کیفیت و نوع اقلام مورد استفاده در طول زمان، دشوار است. برای رفع این نقیصه یک راه حل این است که فقط هزینه مواد غذایی محاسبه شود و از نسبت هزینه‌های غذایی به هزینه‌های غیر غذایی خط (خط‌ها) فقر را محاسبه کرد. برای تعیین اقلام غیر غذایی در این تجزیه و تحلیل یک راه حل دیگر توجه به فقر مادی است که بر طبق آن درصد استفاده‌کنندگان از اقلام ضروری را می‌توان در گروه‌های مختلف مطالعه کرد و با توجه به کمبودهای گروه‌های فقیر جامعه، نیازهای آنان را مشخص کرد. بطور کلی می‌توان گفت پاسخ این سؤال که خط فقر در یک جامعه چیست در واقع یک عدد نمی‌باشد چراکه در یک جامعه ممکن است خط فقرهای متعددی با توجه به بُعد خانوار، سن و الگوی مصرف متفاوت، وجود داشته باشد.

در انتها این توضیح را ضروری می‌دانند که در معیارهای جدید، فقر فقط از دیدگاه‌های پولی و مادی مورد نظر نمی‌باشد بلکه متغیرهای دیگری نظیر سطح سواد، مهارت در کار، امکانات بهداشتی، دسترسی به خدمات و مسکن مناسب نیز می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. در بررسیهای جدید بانک جهانی، مشکلات اجتماعی یک جامعه نظیر میزان بالای جرایم و اعتیاد بعنوان عوامل فقر در جامعه مطرح می‌گردد هرچند آن جامعه از نظر درآمدی و رفاهی فقیر نباشد.

جدول شماره (۱)

درصد خانوارهای استفاده کننده از لوازم و تسهیلات
بر مبنای هزینه خانوار در مناطق شهری کشور سال ۱۳۷۶

(۳)	(۲)	(۱)	شرح
خانوارهایی که هزینه آنها کمتر از ۲۵ درصد متوسط هزینه خانوارها باشد (خانوارهایی که متوسط هزینه آنها کمتر از ۲۹۰۰۰۰ ریال در سال باشد)	خانوارهایی که هزینه آنها کمتر از ۵۰ درصد متوسط هزینه خانوارها باشد (خانوارهایی که متوسط هزینه آنها کمتر از ۸۰۰۰۰۰ ریال در سال باشد)	کشل خانوارها	
۷/۸	۲۹/۰	۱۰۰/۰	درصد تعداد خانوارها
۰/۴	۲/۵	۱۶/۱	۱- اتومبیل
۶/۲	۱۰/۲	۱۲/۸	۲- موتورسیکلت
۷/۲	۱۱/۸	۱۹/۲	۳- دوچرخه
۲۸/۹	۵۶/۶	۷۵/۸	۴- پیرخ خیاطی
۶۲/۲	۶۴/۲	۴۴/۷	۵- تلویزیون سیاه و سفید
۸/۸	۲۳/۱	۵۷/۸	۶- تلویزیون رنگی
۰/۴	۱/۸	۱۴/۸	۷- ویدئو
۰/۰	۰/۰	۱/۵	۸- کامپیوتر شخصی
۸۲/۸	۸۹/۸	۸۹/۸	۹- یخچال
۱/۲	۲/۶	۱۲/۵	۱۰- یخچال فریزر
۰/۴	۳/۵	۱۹/۸	۱۱- فریزر
۷۱/۶	۸۵/۴	۹۴/۴	۱۲- اجاق گاز
۴/۲	۶/۶	۵۱/۷	۱۳- جارو برقی
۱۲/۳	۲۴/۶	۵۴/۴	۱۴- ماشین لباسشویی
۹۵/۸	۹۵/۸	۹۷/۴	۱۵- آب لوله کشی
۹۹/۴	۹۹/۵	۹۹/۸	۱۶- برق
۱۰/۳	۲۵/۶	۵۲/۵	۱۷- تلفن
۳۲/۶	۴۲/۷	۵۸/۲	۱۸- گاز شهری
۵۳/۰	۶۹/۰	۸۷/۴	۱۹- آشپزخانه
۴۷/۴	۶۶/۳	۸۵/۳	۲۰- حمام
۱۷/۴	۲۶/۱	۴۹/۳	۲۱- کولر ثابت
۵/۰	۵/۷	۶/۸	۲۲- کولر متحرک
۰/۳	۱/۲	۹/۷	۲۳- حرارت مرکزی (شوفاز)
۵۸/۷	۶۳/۷	۷۲/۴	۲۴- ملک شخصی
۲۲/۵	۲۱/۱	۱۷/۴	۲۵- ملک استیجاری
۸/۲	۱۸/۴	۳۲/۵	۲۶- دارای دام

جدول شماره (۲)
درصد خانوارهای استفاده کننده از لوازم و تسهیلات
بر مبنای درآمد خانوار در مناطق شهری کشور سال ۱۳۷۶

(۱)	(۲)	(۳)	شرح
کنتل خانوارها	خانوارهایی که درآمد آنها کمتر از ۵۰ درصد متوسط درآمد خانوارها باشد (خانوارهایی که متوسط درآمد آنها کمتر از ۷۲۶۸۰۰۰ ریال در سال باشد)	خانوارهایی که درآمد آنها کمتر از ۲۵ درصد متوسط درآمد خانوارها باشد (خانوارهایی که متوسط درآمد آنها کمتر از ۳۰۶۳۰۰۰ ریال در سال باشد)	
۱۰۰/۰	۲۷/۲	۸/۳	درصد تعداد خانوارها
۱۶/۱	۲/۴	۱/۶	۱ - اتومبیل
۱۲/۹	۱۰/۷	۶/۶	۲ - موتورسیکلت
۱۹/۳	۱۱/۷	۷/۳	۳ - دوپرخانه
۷۵/۸	۵۳/۸	۳۶/۷	۴ - چرخ خیاطی
۲۴/۷	۶۹/۰	۵۹/۰	۵ - تلویزیون سیاه و سفید
۵۷/۹	۲۳/۷	۱۲/۴	۶ - تلویزیون رنگی
۱۴/۸	۲/۴	۱/۲	۷ - ویدئو
۱/۵	۰/۳	۰/۳	۸ - کامپیوتر شخصی
۸۹/۱	۸۸/۳	۸۱/۸	۹ - یخچال
۱۲/۵	۳/۳	۱/۸	۱۰ - یخچال فریزر
۱۹/۸	۲/۵	۱/۷	۱۱ - فریزر
۹۴/۴	۸۶/۶	۷۳/۸	۱۲ - اجاق گاز
۵۱/۷	۱۸/۲	۹/۱	۱۳ - بخارو برقی
۵۴/۴	۲۹/۱	۱۴/۳	۱۴ - ماشین لباسشویی
۹۷/۴	۹۵/۶	۹۵/۴	۱۵ - آب لوله کشی
۹۹/۸	۹۹/۶	۹۹/۳	۱۶ - برق
۵۳/۵	۲۵/۴	۱۶/۹	۱۷ - تلفن
۵۸/۲	۴۲/۹	۳۶/۵	۱۸ - گاز شهری
۸۷/۴	۶۸/۰	۵۶/۴	۱۹ - آشپزخانه
۸۵/۳	۶۹/۷	۵۰/۰	۲۰ - حمام
۴۹/۳	۲۳/۸	۱۹/۶	۲۱ - کولر ثابت
۶/۸	۵/۷	۵/۸	۲۲ - کولر متحرک
۹/۷	۱/۶	۱/۶	۲۳ - حرارت مرکزی (شوفاژ)
۷۲/۴	۵۹/۸	۵۴/۹	۲۴ - ملک شخصی
۱۷/۴	۲۵/۶	۲۸/۴	۲۵ - ملک استیجاری
۳۲/۵	۱۶/۹	۸/۰	۲۶ - دارای وام